

انترناسیونال هفتگی

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

Tel: 0044-7971-965-857

www.haftegi.com

۸۳

۱۶ آذر ۱۳۸۰

۷ دسامبر ۲۰۰۱

جمعه ها منتشر میشود

اصغر کریمی

Tel: 0044-771-409-7928
asqar_karimi@yahoo.com

اسد گلچینی دبیر کمیته تشکیلات گل کشور
Tel: 0044-794-041-6768
asad.golchini@ukonline.co.uk

شهلا دانشفر دفتر مرکزی حزب
Tel: 0044-795-051-7465
Fax: 0044-870-135-1338
markazi@ukonline.co.uk

رحمان حسین زاده دبیر کمیته کردستان حزب
Tel: 0046-739 855 837
r_hoseinzadeh@yahoo.com

بهرام مدرسی دبیر کمیته مرکزی
سازمان جوانان کمونیست
Tel: 0049174 944 0201

رادیو انترناسیونال

۴۱ متر - ۷۵۲۰ کیلو هرتز

۹ تا ۹:۴۵ شب بوقت تهران

به دیگران اطلاع بدهید

radio7520@yahoo.com

تلفن 0044 7714611099

اطلاعات و پیامگیر رادیو:
0044 208 962 2707

حمله گسترده اسرائیل به مردم فلسطین را شدیداً محکوم می کنیم



دولت اسرائیل یک جنگ تمام عیار علیه مردم فلسطین براه انداخته است. پس از گرفتن چراغ سبز از دولت آمریکا، دولت آریل شارون به مردم فلسطین اعلان جنگ داد و با حملات زمینی و هوایی به کرانه غربی و نوار غزه، از جمله به مقر یاسر عرفات و یک کمپ پناهندگی تعدادی فلسطینی را کشته و مجروح کرد. سخنگوی دولت فلسطین اعلام کرده است که نیروهای اشغالگر اسرائیلی محاصره شدید را علیه همه شهرها و مناطق فلسطینی اعمال کرده اند و از ورود و خروج فلسطینی ها و رسیدن مواد غذایی و سوختی و پزشکی به شهرها و مناطق فلسطینی جلوگیری میکنند. پس از یک دوره کوتاه که بنظر میرسید دولت آریل شارون تحت فشارهای جهانی میرفت تا سیاست جنگ طلبانه و تجاوزگرانه خود نسبت به مردم فلسطین را تعدیل کند، اکنون

را می گیرد، تنها راه پایان دادن به چند دهه جنگ و بحران خاورمیانه و تامین صلح برای مردم فلسطین و اسرائیل و کل منطقه، تخلیه مناطق اشغالی و ایجاد یک دولت مستقل فلسطینی است. تمام فشار نیروهای آزادیخواه و افکار عمومی پیشرو جهان در شرایط کنونی باید بر این راه حل انسانی، عادلانه و آزادیخواهانه متمرکز گردد. حزب کمونیست کارگری ایران ۱۴ آذر ۱۳۸۰

اسرائیل و حمایت دول غربی از این سیاست پایه اصلی پاکرفتن اسلام سیاسی و رشد تروریسم در خاورمیانه و دیگر کشورهای اسلام زده بوده است. حزب کمونیست کارگری ایران از تمام سازمانها و مردم آزادیخواه میخواهد که حملات تجاوزگرانه دولت اسرائیل و حمایت دولت آمریکا از دولت اسرائیل را قاطعانه محکوم کنند. تنها راه پایان دادن به مسابقه خونبار جاری که هرروزه توسط دو قطب تروریستی جان شهروندان عادی

ائتلافهای ضد جنگ:

اهداف از دست رفته و

جنبش های خود شکست داده

ترجمه مصاحبه نشریه WPI Briefing

با گورش مدرسی (بخش اول)



به ریشه مساله هم دارد. در واقعیت و در متن اجتماعی در سطح جهانی، این جنبش یک جنبش صرفاً غربی نبوده و نیست. در دنیای واقعی، گرچه یک سر این جنبش قطعاً در غرب بوده، اما سر دیگر آن تظاهراتهای ضد جنگ در پیشاور و کابل است. اهداف و شعارهای این دو سر غیر قابل تمایز هستند. تکان دهنده تر ترکیب جنبش، بخصوص در

یک جنبش بحساب نمایندند. خواستها، شعارها و چارچوب سیاسی یک جنبش جایگاه آن در محیط سیاسی و اجتماعی ما را تعیین میکند و نشان میدهد که این جنبش کجا ایستاده و کجا میرود. برای بدست دادن قضایای سریع در مورد جایگاه این جنبش به یک واقعیت میخواهم اشاره کنم. در سوال میگوئید که جنبش ضد جنگ جنبشی است که "در غرب شکل میگیرد". این سوتفاهمی است که البته اشاره

آینده یک باند جنایتکار، ضد بشری اسلامی مواد مخدر، که سقوط آن لبخند شادی بر چهره هر انسانی در افغانستان، و سراسر جهان میاورد، گر خورده است؟ در بررسی این جنبش باید میان انگیزه تعداد زیادی از انسانهای شرافتمند که در آن شرکت کردند و چهارچوبی که این جنبش در آن تعریف و سازمان داده شده تفاوت قائل شد. متأسفانه، انگیزهها در حاصل

سوال: جنبش ضد جنگ در غرب شکل گرفته است. این جنبش بر محکوم کردن امپریالیسم آمریکا و بریتانیا در جنگ افغانستان متمرکز است. اما، چیزی در مورد طالبان، اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی گفته نمیشود. چرا ما اصرار داریم که هردو طرف این تروریستها را یکسان باید محکوم کرد؟

گورش مدرسی: جنگ عملاً تمام است. خوشبختانه حکومت اسلامی و جنایتکار طالبان فرو ریخته است. این شاید طنزی است که با فرو ریختن حکومت طالبان، جنبش ضد جنگ هدف و گسترشش را از دست میدهد. مردم جذب آرمانهای از دست رفته و جنبشهای خود شکست داده نمیشوند. اما برای پاسخ به سوال شما، باید به عقب برگردیم و ببینش پشت این جنبش را مورد بحث قرار دهیم. چرا سرنوشت این جنبش به

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

گرامیداشت سالروز تشکیل حزب در شهرهای ایران

در گرامیداشت سالروز تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران، بر بلندبهای مشرف بر شهرهای کردستان آتش روشن شد و هزاران نسخه تراکت توزیع گردید

حکمت نوشته شد و تجمعاتی در برخی شهرها برگزار شد که به بحث در مورد حزب کمونیست کارگری پرداختند. توزیع گسترده تراکتهای ویژه این روز و نیز اهداء گل و توزیع شیرینی در میان جمعیت بخش دیگری از اقداماتی بود که توسط دستداران حزب در محلات، دانشگاهها و مراکز مختلف شهرهای کردستان انجام شد.

در مهاباد صبح روز جمعه ۹ آذرماه مزدوران حکومت اسلامی که متوجه پخش وسیع تراکتها و شعارنویسی روی دیوارها شده بودند، به حالت آماده باش در آمده و برخی نقاط شهر را زیر نظر گرفتند. با اینهمه شعار نویسی و پخش تراکت ادامه یافت.

طبق گزارشات دریافتی همچنین در تهران، اصفهان و همدان بر دیوارها، کیوسکهای تلفن و ایستگاههای اتوبوس شعار نوشته شد و تراکتهای وسیعی در میان مردم به مناسبت سالروز تشکیل حزب پخش گردید.

کلنیالیستی وارونه اینها همه "مسائل داخلی" هستند. اسلام سیاسی و فقدان حقوق بشر جزئی از "فرهنگ" مردم در این کشورها است و یا از بعضی نظرات بهتر از امپریالیسم است. همانطور که اشاره کردم این ذهنیت درباره زندگی مردم در کشورهای سابقا مستعمره نیست. این انعکاس حس گناه نسبت به گذشته امپریالیستی از جانب این روشنفکران است. در غیر این صورت اینها میبایست شیطان را در هر لباس بشناسند و هدف قرار دهند، حقوق حاشا ناپذیر مردم را اعلام کنند و از آن دفاع کنند، اعلام کنند که این حقوق جهانشمول است و همه کسانی که به آن تعرض میکنند را مورد حمله قرار دهند و با کسانی متحد شوند که برای این حقوق مبارزه میکنند. ■

به مناسبت دهمین سالروز تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران، تحرک وسیعی در شهرهای کردستان در میان دستداران حزب شکل گرفت. بر بلندبهای مشرف به شهرها آتش های بزرگی روشن شد و هزاران نسخه تراکت به مناسبت این روز در میان مردم پخش گردید. بر بلندبهای جاقق، کانی‌نیاز، کانی‌کوه و تپه روبروی شریف آباد در سقر، بلندبهای آیدر و کوچکوش در سنندج، بلندبهای داشامجید و خزائی و تپه پشت پادگان در مهاباد، ارتفاعات قلعه بیسه ران، تپه پشت گورستان شهر و شه‌خصه فقیره در مریوان، بر ارتفاعات کرده سور و نزدیک باشگاه ورزشی سردشت آتش های بزرگی روشن شد که تا ساعتها توجه مردم را به خود جلب میکرد.

بر در و دیوار این شهرها و نیز شهرهای اشونیه و بوکان و چند شهر دیگر شعارهایی مانند گرامی باد دهمین سالروز تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران، زنده باد کمونیسم کارگری و زنده باد منصور

میخواهند بخش "خوش‌خیم" حکومت الله را بخود جلب کنند. از این زاویه، همانطور که قبلا اشاره کردم، جنبش ضد جنگ هم همین ذهنیت را دنبال میکند، هرچند بطور وارونه دارد از اسلام "بدخیم" حمایت میکند. اینها از سر دیگری درست به همان نتیجه میرسند.

میگویند که ضد جنگ هستند. اما فوراً باید پرسید کدام جنگ؟ آیا شما مخالف جنگی هم هستید که پاکستان و عربستان سعودی با تایید غرب طی آن طالبان را بر افغانستان تحمیل کردند؟ آنوقت شما کجا بودید؟ آیا شما علیه حکومت تروری که توسط حکومت‌های اسلامی در ایران، افغانستان، عربستان سعودی، پاکستان و غیره بر مردم اعمال میشود هستید؟ در این ذهنیت

ضد جنگ در نهایت متحد خود را انتخاب میکند. این انتخاب صورت گرفته است. جنبش ضد جنگ طالبان و اسلام سیاسی را بعنوان متحد خود انتخاب کرده است و نه ما را. جنبش ضد جنگ نمیتواند بعد از سقوط طالبان در کابل، در شادی کودکانی که میتوانند بادبادک‌هایشان را هوا کنند، در لیخنه دخترانی که لااقل حق مدرسه رفتن را بدست آورده‌اند و زنانی که حجابشان را پرت کردند شریک شود. این جنبه تراژیک مساله است. امروز هم جنبش ضد جنگ بسادگی خواستار آنست که سرنوشت مردم در افغانستان بدست نیروهای ائتلاف شمال و سران قبایل رها شود. دارند نسخه یک فاجعه انسانی دیگر را میپیشنند.

سوال: غرب در به اصطلاح جنگش علیه تروریسم دنبال جلب همکاری جمهوری اسلامی، یکی از منابع تروریسم در سطح جهان، است. چرا باید جنبش ضد جنگ از طالبان فراتر برود و جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی، بطور کلی، را محکوم کند؟

گورش مدرسی: اگر این جنگ علیه تروریسم است و نه جنگی صرفاً علیه تروریسمی که دستش به غرب رسیده، آنوقت باید در همه جبهه ها جنگیده شود. واقعیت این است که حکومت‌های غربی اسلام سیاسی را در مقابل بلوک شرق و همچنین بعنوان

ابزار کنترل مردم در کشورهای مختلف، که میتوانند منافع سیاسی و اقتصادی یعنی کار ارزان و ثبات سیاسی، را تهدید کنند، بلحاظ مالی تامین کرده و آنرا تقویت نموده‌اند. در چارچوب کشمکش فعلی حکومتی غرب نمیخواهند این زرادخانه گرانها و موثر را از دست بدهند. اینها میخواهند دایره عمل تروریسم اسلامی را محدود کنند و دست آنرا از اعمال ترور در غرب قطع نمایند. اسلام "خوش‌خیم" یک متحد امپریالیسم بوده و هست. بهمین دلیل است که اینها دنبال جمهوری اسلامی، یکی از خونین ترین رژیم‌های تاریخ معاصر، میروند.

که از پسرها جدا سازی شوند و مردم در این "جهان" عجیب از آزادی بیان، تفکر و وجدان نفرت دارند. مسلمان هستند و میخواهند قوانین پوسیده اسلامی را بر زندگی اجتماعیشان حاکم نمایند. انسانها در این "جهان" غیر انسان تصویر میشوند. این ذهنیت کلنیالیستی وارونه است که به آن اشاره کردم. من و شما و همه میلیونها نفری که برای آزادی، برابری و رفاه و علیه نه تنها امپریالیسم، بلکه علیه اسلام سیاسی در همه ابعاد ذهنیت وجود خارجی نداریم. مانی که وحشیانه سرکوب شده‌ایم، زندانی و اعدام شده‌ایم در این "جهان" وجود نداریم. و به‌مراه ما همه کسانی که زیر فشار، تبعیض و سرکوب حکومت‌های اسلامی و ملی هستند انکار میشوند. ما از نیاز به حقوق بشر "غربی" و حرمت، شخصیت و رفاه معاف اعلام میشویم. در این تصویر حقوق انسانی جهان شمول نیستند بلکه به فرهنگ بستگی پیدا میکنند و فرهنگ در این جهان یک دست وحشیانه است. اگر مردم بخاطر یک رابطه ساده خارج از ازدواج سنگسار میشوند و یا بخاطر تردید در قوانین الهی اعدام میشوند، این حقشان است و شایسته آن هستند. این تصویر از ما و "جهان" ما همان تصویر استعمارگرانی است که پا به این "جهان" گذاشتند. هر چند که وارونه و پوزش طلبانه باشد.

اگر آزادی، برابری و رفاه مردم در افغانستان مساله است، آنوقت باید ابتدا حقوق حاشا ناپذیر این مردم را اعلام کنیم و از این حقوق در مقابل هرکس که سعی در سرکوب آن دارد دفاع کنیم و متحدین‌مان را بر این اساس انتخاب کنیم. با انتقال طالبان و اسلام سیاسی به طرف مسائل "داخلی" و کم ضرتر معادله، جنبش ضد جنگ دارد پای خودش را با تیر میزند. واقعیت این است که کشمکشی طولانی و خونینی میان پخش وسیعی از مردم در این "جهان" عجیب با اسلام سیاسی در جریان بوده و هست و در این متن، توجیه هرچه که باشد، جنبش

اروپا، است. در خیابانها، در شعارها و مطالبات مرز بین آنهاست که حقیقتاً و عاطفا در فکر حرمت و آزادی مردم در افغانستان هستند، با کسانی که در پی اعمال خشن ترین و نابود کننده ترین سیستم سیاسی در تاریخ، یعنی حکومت ضد انسانی و مرگ آفرین اسلامی، هستند ناروشن است. دو صف بهم پیوسته‌اند. صف نمازگزاران اسلامی در این حرکت سیاسی با صف کسانی که به امپریالیسم اعتراض دارند درهم تنیده است. این را هرکس میتواند ببیند و بسیاری از آن رنج میبرند.

در نزاع میان طالبان و امپریالیسم، وقتی که تمرکز را روی امپریالیسم میگنارید و از نقش و اهمیت طالبان و اسلام سیاسی بطور کلی صرفنظر میکنید هدفی مشترک را با این جریان شکل میدهید و بلحاظ سیاسی بازویان را بهم گره میزنید. این واقعیت معوج ریشه در ذهنیت کلنیالیستی وارونه چپ حاشیفای در غرب دارد. چپی که در تمام طول زندگیش چیزی جز یک نیروی فشار برای مطالبات متفرقه نبوده فاقد هیچ افق متمایز از سیستم حاکم است. بحثم در مورد روشنفکران چپ در غرب است که نسبت به گذشته استعماری غرب احساس گناه میکنند و در مقابل به اصطلاح جهان سوم بعنوان یک کلیت خود را بدهکار میدانند.

مساله در سیستم ذهنی این روشنفکران سرنوشت مردمی که در این "جهان" زندگی میکنند نیست. مساله خود مشغولی با مفاهیمی خود شاد کن در مورد زندگی مردم در غرب و در بقیه جهان است. مساله محوری رفع این احساس گناه است و نه مردم این یا آن کشور. در سیستم اینها، "جهان سوم" یک موجودیت داده و در خود است. در این "جهان" مردم فرهنگ عجیبی دارند. از محروم بودن از آخرین دستاوردهای جامعه بشری لذت میبرند، زنان در این "جهان" عاشق این‌اند که از حقوق انسانی و برابر محروم باشند و بلحاظ معنوی از آپارتاید حنسی لذت میبرند. دختران عاشق این‌اند

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت
www.wpiran.org
www.wpibriefing.com
www.rowzane.com
www.hambastegi.org
www.childrenfirstinternational.org
www.jawanan.org
www.iwsolidarity.com
www.medusa2000.com
www.marxsociety.com
www.kvwpiran.org

Bank Account:
Z.I. Konto:
520 5164 008
BLZ: 10090000
Beliner Volksbank
Germany

Website:
www.haftegi.com
Email:
haftegi@yahoo.com
Fax: 0044-8701207768

Address:
BM Box 8927
London
WC1N 3XX
England